خون
فصلنامه پژوهشی
دوره ۶ شماره ۲ تابستان ۸۸ (۱۵۸-۱۴۷)

تاریخچه نگاری

# حجامت در گذر زمان

دکتر احمد قره باغیان[۱]، دکتر مهنوش مهران[۲]، دکتر غریب کریمی[۳]، دکتر ویدا وفاییان[۴]، مهدی تبریزی نمینی[۵]

**چکیده**

**حجامت به معنای بیرون کشیدن خون از بدن می‌باشد که با توجه به جایگاه اسرار آمیز، حیات‌بخش و گاهاً معجزه‌آمیز مایع خون در طول تاریخ تکاملی بشر، تمدن و علم، از این مایع سرخ رنگ نشانگر زندگی و مرگ، به عنوان مشاهدات تشخیصی بالینی بیماری‌های خاص و درمان قطعی یا التیامی بیماران استفاده می‌شد. بر اساس مستندات موجود، حجامت یا بیرون کشیدن خون از بدن در اعتقادات و رسوم فرهنگی و مذهبی بعضی از اقوام حتی در رهانیدن بشر از دست اهریمن و یا نیروهای اهریمنی جایگاه ویژه‌ای داشته است. بر اساس اسناد قدیمی موجود، گرفتن خون به عنوان عنصری حیات‌بخش و روشی درمانی در مصر و یونان باستان و روم به اشکال مختلف از جمله حجامت گسترش داشته است. از طرفی با توجه به پیشرفت علوم پزشکی به ویژه دانش طب و علوم انتقال خون، نقش درمانی و پیشگیرانه حجامت و یا سایر روش‌ها مانند آرتریوتومی و زالو درمانی کم رنگ‌تر گردید، هر چند با توجه به پشتوانه سنتی، حجامت در بعضی از جوامع شرقی به ویژه کشورهای اسلامی هنوز به عنوان ابزاری در جهت حفظ سنت‌ها برای پیرایش روح، روان و درمان التیام بیماری‌ها به کار می‌رود. در مقابل با توجه به استانداردهای موجود در کشور ایران مبنی بر معافیت یک ساله کسانی که حجامت را انجام داده‌اند که منجر به معافیت موقت تعدادی از اهداکنندگان داوطلب اهدای خون در ایران گردیده است، نیاز است تا ضمن آشنایی بیشتر با شکل‌گیری و تاریخچه حجامت و آگاهی دادن به دست‌اندرکاران و متولیان طب و علم انتقال خون، بیش از پیش با یکی از روش‌های سنتی و تاریخی درمانی چالش‌انگیز آشنا شد.**

***کلمات کلیدی:*** **زالو درمانی، ونوسکشن، فلبوتومی، حجامت**

*تاریخ دریافت : ۸۷/۱۰/۲۵*
*تاریخ پذیرش : ۸۸/ ۵/ ۳۱*

۱ـ مؤلف مسؤول: PhD ایمونوهماتولوژی بالینی ـ دانشیار مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون ایران ـ صندوق پستی: ۱۱۵۷-۱۴۶۶۵
۲ـ پزشک عمومی ـ مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون ایران
۳ـ متخصص بیماری‌های عفونی ـ استادیار مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون ایران
۴- دکترای داروسازی ـ مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون ایران
۵ـ کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی ـ مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون ایران



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

کلمه حجامت از لغت hajm به معنی مکیدن گرفته شده است و لغت mihjam برای توصیف عروق خونی که توسط فرد خون‌گیر به کمک لانست، خون از آن گرفته می‌شود، به کار می‌رود. از نظر لغت‌شناسی، واژه حجامت توسط تعدادی از دانشمندان برای کشیدن خون از پشت گردن به کمک مکیدن، پس از ایجاد برش توسط لانست، به کار رفته است(۱). در دایره‌المعارف کلمبیایی حجامت به عمل بیرون کشیدن خون از بدن در درمان بیماری اطلاق می‌شود که در آن حجامت عمومی شامل خونگیری از شریان(آرتریوتومی) یا وریدِ(Venesection ، فلبوتومی) می‌باشد. حجامت موضعی نیز بیرون کشیدن خون از رگ‌های کوچک به کمک بادکش مرطوب و یا زالو است(۲). خونگیری از عروق(blood letting) در زبان فارسی و عربی با عنوان حجامت(hijama) شناخته شده است(۳).

انسان‌های نو سنگی در اواخر عصر حجر، ابزارهای آتشزنه را برای سوراخ کردن جمجمه بیماران به عنوان روشی برای رها کردن شیطان، به کار می‌بردند. از نظر آن‌ها منطق این نوع درمان مستحکم و مورد قبول اما اساس فرضیات آن‌ها اشتباه بود. فرض بر این بود که روح اهریمنی جمجمه افراد را در بر گرفته که با این روش می‌تواند بیرون کشیده شود. آن‌ها بر این عقیده بودند که اغلب راه‌های مشابه سوراخ نمودن جمجمه، به شیطان اجازه می‌دهد از سر فرار کند، از این رو فرض بر این بود که حجامت نیز آزاد شدن روح اهریمن را از هر نقطه بدن تسهیل می‌کند. داستان حجامت در ساختار اسرارآمیز دانش پزشکی عجین شده است و از رسوم جادویی و مذهبی ریشه گرفته است(۴).

قبل از زمان بقراط(۴۶۰ تا ۳۷۷ قبل از میلاد)، همه بیماری‌ها در واقع یک بیماری باتظاهرات گوناگون بوده‌اند. مشاهدات دقیق بالینی بقراط منجر به تشخیص وضعیت بیماری‌هایی خاص با علایم تشخیصی آن‌ها شد. در این زمان بود که مفهوم اخلاط چهار گانه توسعه یافت. چهار مایع اساسی بدن شامل: خون، صفرا، بلغم و سودا بودند. سلامت را وابسته به توازن اصل این اطباع می‌دانستند. این مفهوم بالینی منجر به کاهش عقیده روح شیطان در بیماری‌ها شد. تصور می‌شد که خون نیروی حیات بدن را حمل می‌کند و جایگاه روح است. هم چنین ضعف جسمی و جنون روانی را منتسب به نقص این مایع حیات می‌دانستند. خونی که از جنگجویان کشته شده به دست می‌آید، به امید این که قدرت و شجاعت آن‌ها به فرد گیرنده منتقل خواهد شد، نوشیده می‌شد(۵، ۴).

حجامت توسط مصری‌های اطراف رود نیل، چند هزار سال قبل از میلاد مسیح به کار رفته و این سنت به یونان و روم گسترش یافته است که شاهد آن وجود یکی از قدیمی‌ترین اسناد موجود می‌باشد که در آن حجامت از ۳۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، در مقدونیه انجام می‌شده است و بعدها از مقدونیه به یونان باستان رخنه کرده است(شکل ۱)(۴).

**شکل ۱: پزشکی(ایاتروس) در حال حجامت بیمار (۴۸۰ تا ۴۷۰ قبل از میلاد)(۶)**

چینی‌ها و بابلی‌ها نیز این علم را می‌شناختند. تصاویر حکاکی شده بازمانده از قدیم نشان می‌دهد که آن‌ها حجامت را برای درمان بعضی از بیماری‌ها به کار می‌بردند(۲).

اولین داستان‌های طبی از چین در حدود سال ۴۰۰ قبل از میلاد، طب سوزنی با یا بدون خونگیری را توضیح داده‌اند و حجامت با استفاده از سوزن برای آزاد ساختن ارواح خبیث در مقالات چینی‌ها در قرن ۴ قبل از میلاد نیز آمده است. بادکش کردن(Cupping)، حجامت و استفاده از زالوها در مقالات سانسکریت از طب سنتی شمال غربی هند گزارش شده است. دست نوشته‌های قدیمی نشان می‌دهد که امپراطور Ingyo در قرن ۵ در ژاپن حجامت



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

کرده است(۷).

خونگیری(فلبوتومی) بیش از ۵۰۰۰ سال قدمت دارد و احتمالاً مصری‌ها اولین مردمی بودند که خونگیری را به روش تیغ‌زدن(Scarification) انجام داده‌اند. فلبوتومی در زمان بقراط(۵۰۰ قبل از میلاد) به اوج خود رسیده، ازچاقو به عنوان وسیله‌ای برای خارج ساختن بیماری با حذف مایعات ناخالص استفاده شده است. در سال ۴۰۰ قبل از میلاد مسیح، از هرودوت مستنداتی مبنی بر کاربرد بادکش برای از بین بردن بیماری‌ها وجود دارد. Celsus (۱۰۰ قبل از میلاد) نیز از طرفداران انجام حجامت با تیغ‌زنی و بادکش کردن برای کاهش امراض موضعی بود(۸).

مبحث حجامت در اغلب نوشته‌های جالینوس در قرن دوم به چشم می‌خورد. جالینوس ساکن یونان و متولد شهر پرگامون ترکیه بود. علم طب را در آلکساندریای مصر آموخته بود و به عنوان پزشک گلادیاتورهایی که در آمفی تئاتر پرگامون نبرد می‌کردند به پرگامون ترکیه برگشت. او به روم رفت و در آن جا یک سیستم پاتولوژی و فیزیولوژی بنیان‌گذاری کرد که علم پزشکی را برای ۱۴۰۰ سال بعد تحت‌الشعاع قرار داد. جالینوس بر چهار طبیعت یا مایع تأکید داشت: خون، بلغم، صفرا و سودا. این طبیعت‌ها بایستی با یکدیگر در تعادل بمانند تا کنترل سلامتی حاصل شود. نظریه تعادل مایعات حیات از نظر محتوا در طب چین و هندوستان چندان تفاوتی نداشت و البته آسان‌ترین مایعی که به منظور حفظ تعادل کل بدن قابل برداشت بود، خون بود. با زوال تمدن یونان و روم، تمدن قرون وسطی وارد شد که سال‌های سیاه نامیده می‌شود(۷).

حجامت جزئی از طب سنتی اعراب نیز بوده است. این کار توسط پزشکان عرب در قرون وسطی انجام می‌گرفته ودر طی دوران رنسانس به سرعت به خاورمیانه و اروپا گسترش یافته است.اعراب قوانین خاص خود را در مورد میزان خون گرفته شده و زمان انجام خونگیری داشته‌اند و حتی از این روش به عنوان روشی غیر درمانی استفاده می کردند به طوری که Zenobia یکی از ملکه های معروف اعراب توسط این روش پادشاه اعراب را به قتل رساند(۸).

حجامت در دیگر نقاط دنیا نیز انجام می‌گرفت ، قبیله Baganda در اوگاندا، بومیان تاسمانی و استرالیای شمالی از این روش جهت کاهش درد استفاده می‌کردند. در Fiji ، از تیرهای بامبو جهت خونگیری استفاده می‌شد. در آمریکای جنوبی، خستگی را نتیجه وجود عنصر خارجی در خون می‌دانستند که باید خارج شود. در پاتاگونیا(جنوب آرژانتین و شیلی) به محض احساس خستگی، افراد خودشان را حجامت می‌کردند تا ارواح خبیث را از خود دور کنند. زالو درمانی، بادکش و تنبیه توسط هندوها انجام می‌شد. حجامت در طی قرن‌ها به صورت گسترده‌ای در دنیا به کار رفته است. در دوران ملوک‌الطوایفی در انگلستان، بیشتر صومعه ها مکانی برای خونگیری داشتند که ساکنین صومعه در زمان‌های خاصی از سال حجامت می‌شدند(۸).

در اواسط قرن ۱۸ به نظر می‌رسد که گرفتن خون روش استانداردی برای درمان تب به حساب می‌آمده، هر چند که این روش برای درمان تب‌های عفونی مانند تیفوئید یا تیفوس کاربردی نداشته است(۸). خونگیری تا پرشدن یک لگن ادامه می‌یافت که تقریباً معادل ۲۰ اونس(۵۸۰ میلی‌لیتر) است و این میزان می‌توانست تا ۲۵ اونس(۷۲۰ میلی‌لیتر) ادامه یابد. اولین خونگیری تا زمانی که بیمار از حال برود (Faint) ادامه داشت (شکل ۲)(۹).

**شکل ۲: نمایی از ظروف جمع‌آوری خون در حجامت (۱۰)(۱۷۷۰-۱۸۵۰)**

بیماران می‌بایست روزانه یا یک روز در میان خون داده و گاهی لازم بود تا ۹۵ اونس در طی ۳ روز یا ۱۰۴ اونس در ۴ روز خون بدهند و نیز حتی در مدت ۶ روز، ۲۱۰ اونس خون گرفته می‌شد. سایز برش ایجاد شده مهم بود. برش‌های وسیع منتهی به رگ‌های بزرگ باعث سنکوپ



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

زودرس بـه دلیـل از دسـت دادن حجـم وسـیع خـون می‌شد(۹).

جالینوس(۱۳۰تا۲۰۰ بعد ازمیلاد) نیز اعتقادی راسخ بـه تیغ‌زنی و بادکش کردن داشت. افکار جـالینوس بـه عنـوان بخشی از طب اسلامی به عرب‌ها راه یافته بود کـه در ابتـدا شامل عقاید وی در مورد طبیعـت‌هـای چهارگانـه و فصـد خـون بـود و به تدریج فلسفه آن نیز شکوفا شد و پیشرفت کرد(۸، ۷).

درمان پر خـونی[(Plethora) احتمـالاً پلـی‌سـایتمی ] در پاتولوژی دوران باستان همانند مجموعـه قـوانین شـرعی و عرفی یهودیان بابلی(Talmud)، نقـش بسـیار مهمـی داشـته است. در آیین یهود، پزشکان به عنوان دانشمند و حجامـت کنندگان به عنوان هنرمند شناخته می‌شـدند. البتـه در همـه نوشته‌های یهودیان، حجامت مورد تایید نیسـت، در انجیـل نیز بریدن پوست کاملاً منع شده است(۱۱).

**شکل ۳: جراحان در حال حجامت، اواخر قرن ۱۷(۸)**

ناپلئون پس از انجام فصد درمانی، طب را دانشی بـرای قتل می‌دانست، این امر می‌تواند صحیح باشد زیـرا هـزاران نفر به دلیل خونریزی از بین رفته‌اند. در سـال ۱۴۹۲، پـاپ Innocent VIII پس از دریافت خون سه جوان که آنـان بـه دلیل خونریزی از بین رفتند، خود نیز فوت کرد. چارلز دوم (۱۶۸۵-۱۶۳۰ )در انگلستان به دلیل سکته مغـزی در سـال ۱۶۸۵ حجامت شد. ۲۴ اونس خون از او دریافت شد و بـا وجودی که تکلم وی بهتر شد، ولی بسیار زود فوت کرد و پزشـکان وی نیـز متـواری شـدند(شـکل ۳). مـوزارت موسیقیدان بزرگ(۱۷۹۱) نیز بـا نارسـایی کلیـه و بـه دلیـل شوک حاصل از خونریزی زیاد پس از حجامت فوت کـرد. جورج واشنگتن نیز به دلیل هیپوولمی ناشـی از خـونگیری ۲۳۶۵ میلی‌لیتر درعرض ۲۴ ساعت فوت نمود. ولی جورج چهارم در سال ۱۸۲۰ پس از خونگیری به میزان ۱۵۰ اونس زنده ماند و ۱۰ سال بعد زندگی کرد. خـونگیری در زمـان همه‌گیـری وبـا در سـال ۱۸۳۱ یکـی از روش‌هـای اصـلی درمان بود ولی آمار مرگ و میر ناشی از دهیدراسیون همراه با خونگیری در دسترس نیست(۸). اما زندگی شهرنشینی و فاجعه وبا و طاعون در سال ۱۸۳۲، باعث شد که حجامـت دیری نپاید(۱۲).

در اوایل ۳۰۰ قبل از میلاد مسـیح، تضـادهایی در مـورد مقدار حجم خون گرفته شده و عوارض جـانبی خـونگیری ماننـد بریـدن تانـدون، اعصـاب و عـروق مطـرح شـد. دامپزشکان اولین کسـانی بودنـد کـه در قـرن ۱۸ در مـورد میزان حجم خون مناسب برای حجامـت سـؤال کردنـد.در اوایل سال ۱۷۹۳، تامسون دامپزشک بریتانیایی مساله کنترل حجم خون به هنگام حجامت را بیان کرد. از کسانی کـه در قرن ۱۸ از حجامـت حمایـت مـی‌کردنـد مـی‌تـوان Rene Laennec پزشک معروف فرانسوی ،که مخترع استتسـکوپ بود را نام برد. در اواسط ۱۸۰۰، Paerre Louise آمارشـناس فرانسـوی از نظـر آمـاری مشـخص کـرد کـه در حقیقـت حجامت برای درمان مضر است و از اولین کسانی بـود کـه از انجام حجامـت در درمـان بیمـاری‌هـا انتقـاد نمـود. وی مطرح کرد که تمامی درمان‌هـا را مـی‌تـوان از نظـر علمـی ارزیابی کرد. تحقیقات وی نشان داد که ۴۴ درصد بیمـاران مبتلا به پنومونی کـه در طـی ۴ روز اول بیمـاری حجامـت شدند، مردنـد. در مقایسـه ۲۵٪ بیمـارانی کـه در روزهـای بعدی حجامت شدند از بـین رفتنـد. او نتیجـه گرفـت کـه حجامت در پنومونی مضر می‌باشد. در سـال ۱۸۳۵ پـی‌یـر لوئیس از نظر آماری سؤالاتی برای اثر بخشی حجامـت در بیماری‌ها مطرح کرد(۸).

وئـیس گـزارش مشـاهدات خـود را روی ۷۸ بیمـار پنومونی که ۲۸ نفر آن‌ها مردند ارایـه داد. او نتیجـه گرفـت که حجامت اثر نـاچیزی روی دوره بیمـاری و بهبـود دارد. اگر حجامت در اوایل بیماری به ویژه در افراد مسـن انجـام شود، مرگ و میر را بالا می‌برد. علاوه بر ایـن Venesection



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

اثر ناچیزی بر علایم بالینی و نشانه‌ها دارد و پیشرفت بیماری با این اقدامات متوقف نمی‌شود. مطالعه بعدی روی ۲۹ بیمار با ۴ کشته این امر را تایید کرد. او همچنین در مطالعه روی ۱۱ بیمار مبتلا به باد سرخ صورت که ۵ نفر آن‌ها حجامت شده بودند و ۶ بیمار حجامت نکرده بودند، به نتیجه مشابه رسید که Venesection در این شرایط نیز محدودیت دارد. گرچه نتایج نهایی از بیمارستان عمومی ماساچوست قطعی نبود، اما انجام حجامت در بیماری‌های التهابی در طی ۳۰ سال دچار بدنامی شد(۹).

در سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ ، اختلافات درخصوص وجود ارتباط بین علوم آزمایشگاهی، تئوری های پزشکی، مشاهدات تجربی و روش‌های درمانی به اوج خود رسید دکتر جان هیگوز بنت در سال ۱۸۵۵ رساله خود را در مورد درمان ترمیمی پنومونی منتشر کرد. او کم شدن مرگ و میر ناشی از پنومونی را مستقیماً مرتبط با کمتر بودن حجم خون گرفته شده می‌دانست و آمار مرگ و میر را برای استدلال خود بیان می‌کرد. طبق نظر او در روش حجامت با خونگیری زیاد، از ۳ مورد حجامت،۱ مورد به مرگ می‌انجامد، در حالی که در ۱۲۹ موردی که توسط او با اصول restorative درمان شدند، فقط ۴ نفر مردند. او بیشتر از هر کسی در مورد طرد کردن روش متداول حجامت با خونگیری زیاد تلاش کرد(۸). لوئی پاستور و رابرت کخ قطعاً ثابت کردند که التهاب ناشی از عفونت است و بنابراین حجامت نمی‌تواند بر آن تاثیر مثبتی داشته باشد(۸). محبوبیت حجامت در قرن ۱۹ به اوج خود رسید گرچه اثر بخشی آن مورد سؤال بود لیکن برای درمان مشکلات قلبی تا سال ۱۹۲۰ کاربرد وسیع داشت(۱۳).

Valquez اولین کسی بود که به اهمیت علائم نورولوژیکی در پلی‌سایتمی اشاره کرد. Olser در سال ۱۹۰۳ وجود عوارض نورولوژیکی را در ۸ بیمار از ۹ مورد پلی‌سایتمی گزارش کرد. حجامت به روش غیر معمول، هنوز در کشورهایی مانند مراکش، الجزایر و عمان انجام می‌شود(شکل ۴)(۸).

در مطالعه‌ای که بر روی یهودیان اتیوپی تبار مهاجر به اسرائیل صورت گرفت، نشان داده شد که بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه از حجامت به عنوان درمان سنتی در گذشته و حتی حال استفاده کرده‌اند. افراد مورد مطالعه به ارتباط بین حجامت سنتی و خونگیری غربی( Western blood sampling) اشاره کردند.از نظرآنان خونگیری مدرن، سبب ایجاد نتیجه‌ای مشابه با حجامت می‌باشد و به همین جهت این بیماران به طور مکرر از پزشک خود درخواست انجام آزمایش می‌کنند.

**شکل ۴: حجامت در مراکش که از ظروف نقره برای جمع‌آوری خون استفاده شده است(۸).**

برخی از بیماران مزایایی برای روش خونگیری مدرن از جمله علمی بودن آن، انجام آزمایش‌ها و عدم انتقال بیماری‌ها و عفونت‌ها را بیان داشتند(۱۴).

*ابزارهای حجامت*

Mihjamih ، ابزار اصلی حجامت است. در قدیم شاخ گاو به این منظور به کار می‌رفت اما امروزه فنجان‌های فلزی و شیشه‌ای مخصوص برای این کار ساخته شده است(۱۵).

ابزارهای به کار رفته برای حجامت، از لانست ساده تا خراش‌گذارهای ترسناک(وسیله‌ای که برش‌های متعددی در یک محل ایجاد می‌کند) متغیر است. انواع مختلفی از فنجان‌ها نیز برای حجامت به کار رفته‌اند از جمله فنجان‌هایی از جنس لاستیک، بامبو، شیشه، پلاستیک، شاخ حیوانات و ...(۱۸-۱۶).

ابزارهای استاندارد حجامت در غرب عبارت بودند از (شکل ۵):

۱ـ لانست(Lancet): یک ابزار قدیمی که نامش به دلیل شکل آن بود که شبیه سلاح است.

۲ـ چاقوی حجامت: یک وسیله ۳ ضلعی جهت برش که



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

روشی سنتی بود.

۳ـ لانست فنری(Spring Lancet): چاقوی حجامت مکانیکی که به سطح پوست ضربه می‌زند.

۴ـ خراشگذار(Scarificator): حامل فلزی با چندین لبه تیز تیغ‌دار(۷).

**شکل ۵: الف: چند لانست با روکش شاخ حیوانات**
**ب: جعبه وسایل حجامت انگلیسی(۱۰)**

ابزار اولیه حجامت شامل هر وسیله تیز مانند سنگ‌های نوک تیز، پر و دندان‌های حیوانات بود. نیشتر شستی(Thumb lancet) در قرن پانزدهم ابداع شد که دارای ۲ لبه تیز با دسته مزین از جنس پوست لاک‌پشت بود. در اوایل ۱۶۵۴ فرانچسکو فولی، کانالی از طلا و نقره ساخت که توسط پر کلاغ متصل به لوله انعطاف‌پذیری از جنس روده گوسفند وارد ورید فرد می‌شد و با یک استخوان کوچک یا قیفی از عاج به وسیله ریسمان‌هایی به محل شکاف خونگیری در بازوی فرد بسته می‌شد.

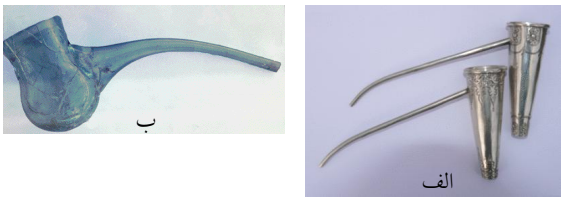


**شکل ۶: الف: ظروف نقره‌ای(۱۹۱۲) جهت انجام حجامت در مراکش(۸) ب: فنجان شیشه‌ای با لوله مکنده به عنوان mihjamih (۱۵).**

در اواخر قرن ۱۷ ، سر کریستوفر ورن، دارو را با پر تزریق کرد. به دنبال آن کانال‌هایی از جنس مس و نقره ساخته شدند. در سال ۱۷۱۹ لورنس هایزتر نیشتر فنری(Spring Lancet) را ساخت. این وسیله سبب شد به هنگام نیشتر زدن نیازی به ایجاد فشار با دست نباشد(شکل ۶)(۸).

*انواع حجامت*

حجامت به طور عموم به زمانی که خون از ورید یا شریان گرفته می‌شود اطلاق می‌گردد. زمانی حجامت موضعی نامیده می‌شود که به وسیله زالوها، بادکش کردن و خراش‌گذارها خون در مقدار کم گرفته شود. حجامت به انواع زیر تقسیم می‌شود:

حجامت عمومی شامل: ۱- Venesection ۲- آرتریوتومی

حجامت موضعی شامل: ۱- خراش‌گذاری با بادکش مرطوب و بادکش خشک ۲- زالو(۴)

*Venesection*

ابزارهای به کار رفته شامل لانست و Fleam می‌باشند. لانست شستی کوچک با نوک تیز، ابزار جراحی است که برای فلبوتومی انسان به کار می‌رفت. بازوی بیمار در بالای آرنج با یک نوار پارچه‌ای محکم بسته می‌شد تا ورید را فشار دهد. اما نه آن قدر محکم که نبض شریان را کاهش دهد. تیغه لانست بین شست و انگشت سبابه قرار می‌گرفت و دست با سه انگشت دیگر حمایت می‌شد. سپس لانست در یک جهت وارد ورید می‌شد تا خون از این نقطه بیرون آید. لبه فوقانی لانست در یک خط مستقیم کشیده می‌شد تا پوست را هم سایز ورید زخم کند.

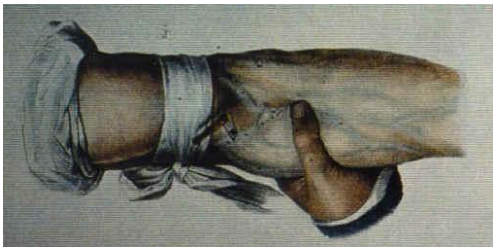

**شکل ۷: خونگیری از ورید(۱۰)**

انگشت شست دست چپ که ورید را فشار می‌داد برداشته می‌شد و در نتیجه خون به داخل کاسه برای اندازه‌گیری میزان آن جریان پیدا می‌کرد. در این روش بایستی مراقب بود که در حین کار به طور تصادفی به شریان، تاندون یا اعصاب صدمه وارد نشود(شکل ۷).



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

*آرتریوتومی*

آرتریوتـومی زمانی که وریدها نسبتاً خالی و شریان‌های بـزرگ پـر خـون بودنـد، انجـام مـی‌شـد و در مقایسـه بـا Venesection کمتر شایع بود. محل انجام آرتریوتومی اغلب شریان تمپورال سطحی یا یکی از شاخه‌های آن بود. رگ با یک برش عرضی به طور نسبی بریده می‌شـد، وقتـی خـون کافی برداشت می‌شد، شریان کاملاً جدا شده تـا انتهـای آن منقـبض شـود و خـونریزی متوقـف گـردد. یـک کمپـرس خشک روی زخم قرار می‌گرفت و محکم بسته می‌شد.

*بادکش کردن*

شامل دو روش خشک و مرطوب می‌باشد؛

- بادکش خشک به کمک یک فنجـان مکنـده و تمـاس بـا پوست انجام می‌شد. عقیده بر این بود که خون و مایع از محل التهاب به سطح پوست می‌آید. این روش احتقان را از محل التهاب بـر مـی‌داشـت امـا مـایع را از بـدن دور نمی‌کرد(۹).
- بادکش مرطوب روی پوست با یک اسـفنج مرطـوب بـا آب گرم کشیده می‌شد تا جریان خـون را افـزیش دهـد. یک حوله برای خشک کردن پوسـت بـه کـار مـی‌رفـت. دهانه ابزار حجامت روی پوست در محل انتخـابی قـرار می‌گرفت. سپس تـراکم هـوای داخـل رگ بـا سـوزاندن قطعه کوچکی کاغذ یـا پارچـه کتـان در داخـل رگ کـم می‌شد. به این ترتیب دهانه ابزار به پوست مـی‌چسـبید و حاشیه پوست حدود ۱/۵ اینچ بالا می‌آمد. گـاهی اوقـات از دستگاهی به جای روش بالا اسـتفاده مـی‌شـد. فنجـان برای چند دقیقـه روی پوسـت بـاقی مـی‌مانـد و سـپس برداشته می‌شد، بعد به کمک یک وسیله خراش‌گذار مثل تیغ، لانست یا مشـابه آن، ۱۲ شـکاف در پوسـت ایجـاد می‌شد که خون از آن بیرون می‌آمد. فنجان زیر محل قرار می‌گرفت تا از خون بیرون آمده از عروق پر شود. در این اقدام تا ۲۰ اونس خون از یک محل بـه دسـت مـی‌آمـد. معمولاً ۵ فنجان استفاده می‌شد و در هـر کـدام ۴ اونـس خون جمع می‌گشت. سپس فنجان دور انداخته می‌شـد و پارچه تمیزی در محل برش قرار می‌گرفت(۹، ۱).

حجامـت مرطــوب به کمک شاخ گاو نیز به روش زیر انجام می‌شد:

ابتدا پوست تمیز می‌شد و شاخ گاو در محل مکش قرار می‌گرفت. دهانه شاخ محل مکیدن بود، سـپس بـرای چنـد لحظه شاخ برداشته می‌شد و برش سطحی در محـل ایجـاد می‌شد. مجدداً شاخ گذاشته می‌شد و قسـمت دهانـه آن بـا شدت مکیده می‌شد. خون در شاخ انباشته گشـته و زمـانی که شاخ گاو از محل برداشته می‌شد، لخته‌های تیره خون به عنوان خون بد و کثیف به بیمار نشان داده مـی‌شـد. سـپس زخم به کمک پارچه خشک و آغشته به پودر گیـاهی تمیـز می‌شد(شکل ۸)(۱۵).

**شکل ۸: شاخ حیوانات که برای حجامت استفاده می‌شد(۱۵).**

*زالو*

استفاده از زالو از زمان‌های بسـیار قـدیم در آسـیا رایـج بوده است. اولین درمان‌هـای ثبـت شـده از قـرن ۲ قبـل از میلاد می‌باشد. سپس استفاده از آن از آسیا به اروپا و شمال آمریکا گسترش یافت. برای قرن‌ها زالو برای بیمـاری‌هـای گوناگون به کار می‌رفـت. در حـدود ۵ هـزار سـال پـیش، پزشکان مصری بر این عقیده بودند که مکیدن خـون بیمـار توسط زالو، می‌تواند همه نوع بیماری از تب تا نفـخ شـکم را بهبود بخشد. گزارش شده که اولین شخصی کـه از زالـو استفاده درمانی نمود، Nicandros از Colophon (BC ۱۴۰–۲۰۰) و بعـــــد از وی Thimpson از Laodicea (BC ۴۳–۱۲۳) بود. ۱۲ زالو در اطراف شقیقه‌هـا سـر درد را درمـان می‌کرد در حالی که ۵۰ عدد در شکم هر دردی از تومورها تا چاقی را درمان می‌نمود(۱۹).



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

Blundell نیز حیوانات کوچکی را که در زبان آنگلوساکسون زالو نامیده می‌شدند توصیف کرد. این نام از نوع عمل آن‌ها گرفته نشده بلکه از این که چرا این کار را انجام می‌دهند مشتق شده است. لغت انگلیسی زالو به معنی بهبود دهنده است. این حیوان بین ۵۰ تا ۷۵ میلی‌متر طول دارد و با مکنده کوچکی در یک انتها با دهان کیتینی، می‌تواند شکاف مثلثی در پوست ایجاد کند. او می‌تواند با فرستادن خون به داخل معده طولش را سه برابر کند. گر چه حجم خون گرفته شده توسط زالو ممکن است ناچیز باشد اما بزاق وی حاوی نوعی آنتی کواگولان است که تا بهبود زخم در محل می‌ماند. چندین زالو مورد نیاز است تا بتوان یک احتقان بزرگ را کاهش داد. زالوها می‌توانند تقریباً تا ۱۰ برابر وزنشان خون بمکند و آن را برای ۱۲ تا ۱۸ ماه ذخیره کنند. هر زالو می‌تواند ۵ تا ۱۵ سی‌سی خون بمکد. هندی‌ها گفته‌اند که بعضی از زالوها سمی هستند. هر زالویی که سر درشت و رنگ سرمه‌ای یا سبز دارد سمی است هم چنین زالوهایی را که از آب‌های گل و سیاه شکار شده‌اند نباید به کار برد. زالوهای مطلوب دارای رنگ ماشی و کمی مایل به سبز و شبیه ملخ‌های ریز هستند نیز زالوهای جگری رنگ و باریک با سر کوچک متناسب حجامت می‌باشند(۲۰).

اشتیاق به استفاده از زالو در قرن ۱۹ کمرنگ شد اما مجدداً زمانی که Broussais کاربرد مجدد ۵۰ زالو را در پاریس در یک زمان توصیه کرد مشتعل شد. او این تئوری را که احتقان خون سبب بروز التهاب می‌شود منتشر نمود و زالوها را برای درمان مشکلات معده و سر به کار برد. به نظر می‌رسد که تاثیر Broussais سبب شد استفاده از زالو از ۳ میلیون در سال ۱۸۲۴ به ۴۱ میلیون در سال ۱۸۳۳ برسد. زالوها معمولاً از پاهای اسب و احشام جمع می‌شدند. با افزایش تقاضا، مقاله‌هایی در مورد نگهداری و پرورش زالو نوشته شد و پرورش زالو به یک تجارت تبدیل گشت. اغلب بیمارانی که در قرن ۱۹ در بیمارستان لندن پذیرش می‌شدند، سریع تحت زالو درمانی قرار می‌گرفتند(شکل ۹). زالو در شهرهای بزرگ معمولاً توسط افراد آموزش دیده استفاده می‌شد و آن‌ها زالوها را تقریباً برای تمام اعضاء خارجی به کار می‌بردند. حتی در نیمه قرن ۲۰ ، زالوها

**شکل ۹: خونگیری توسط زالو(۲۱)**

هنوز در داروخانه‌های قدیمی آمریکا برای درمان زخم‌های ساده دیده می‌شدند(۲۳، ۲۲).

*معیارهای انجام حجامت*

موسی بن میمون در مجموعه قوانین اخلاقیات و بیشتر در نصایح پزشکی خود برای انجام حجامت، معیارهایی از جمله سن را بیان کرده است به طوری که افراد کمتر از ۱۴ سال و بیشتر از ۷۰ سال را نباید حجامت کرد(۸).

حجامت در زنان حامله و یا در دوران قاعدگی، بیماران سرطانی با سرطان‌های متاستاتیک و بیماران با شکستگی استخوانی یا اسپاسم عضلانی ممنوع است. هم چنین حجامت در محل‌های عروق DVT ، در محل زخم، آرتریت یا روی محل نبض نباید انجام شود.

تحقیقی که توسط ullah و Younis در مورد اثرات درمانی بادکش کردن در درد زانو انجام شد، افراد زیر از حجامت معاف شدند:

کودکان، افرادی که از مشکلات حاد قلبی یا بیماری‌هایی که احتمال خونریزی وجود دارد رنج می‌برند، زنان باردار، بیماران سرطانی و افراد با شکستگی استخوانی یا اسپاسم عضلانی در ناحیه زانو(۲۴). ابن سینا در کتاب قانون تاکید نموده که زن باردار را هرگز رگ نزنید زیرا جنین وی می‌میرد. هم چنین اشاره شده که بچه را می‌توان در دو سالگی حجامت کرد و بعد از شصت سالگی حجامت به کلی ممنوع است(۲۵، ۲۰). لازم به توضیح است که با مطالعه منابع موجود تاریخچه دقیقی از شروع حجامت در ایران به دست نیامد.

*انتقال خون*

با توجه به جایگاه اسرار آمیز خون در طول تکامل



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

انسان، به نظر خون معادل حیات، هستی و مرگ و نابودی بوده است که همین بینش می‌تواند بیانگر علت دیدگاه انسان‌های نخستین از مرگ شکار با از دست دادن خون از بدن، استفاده از خون برای حمام گرفتن توسط مصریان باستان و یا علت آشامیدن خون مغلوبین توسط گلادیاتور پیروز در میدان کلوزیوم در روم باستان باشد. از طرفی با پیشرفت جوامع و تمدن‌های بشری و توسعه علم و آگاهی انسان‌ها در امر پزشکی، خون به عنوان ماده‌ای حیات‌بخش جایگاه واحدتری بر خود گرفت و حجامت به عنوان راه‌کاری درمانی یا التیام‌بخش آلام، به تدریج پای بر عرصه حضور گذاشت(۲۶، ۴).

کمی پس از کشف جریان خون توسط ویلیام هاروی در قرن ۱۷، تلاش‌هایی جهت انجام انتقال خون حیوانات در پاریس و لندن صورت گرفت. انتقال خون با خون بره و گوساله در زمانی که دین، سحر و جادو با طب آمیخته بودند انجام گرفت. ابتدا خون حاوی بیماری از بدن خارج و سپس با خون حیوانی آرام تعویض میشد. علی‌رغم ممنوعیت‌های قانونی، انتقال خون از حیوانات به انسان تحت عنوان سحر و جادو به طور پراکنده تا ۱۵۰ سال بعد ادامه یافت.

در اواسط زمان اوج حجامت، واقعه‌ای رخ داد که حجامت را با طب انتقال خون مرتبط ساخت. جان هنری لیلوک (John Henry Leacock) در سال ۱۸۱۶ رساله پزشکی خود را در دانشگاه ادینبرو مبنی بر انتقال خون انسان به عنوان درمان در کمبودهای خونی و به هنگام از دست دادن خون منتشر کرد. او تجربیاتی را در حیوانات جهت اثبات درمان توسط انتقال خون در صورتی که

**شکل ۱۰: تصویری از انتقال خون گوسفند به انسان(۱۶۹۳)(۲)**

اهداکننده و گیرنده سازگار باشند انجام داد. در واقع لی‌کوک اولین کسی بود که تعریف انتقال خون را به نحوی که امروزه بیان می‌شود به عنوان درمانی در علم پزشکی بیان کرد(شکل ۱۰)(۲۷).

جیمیزبلاندل(James Blundell) دو سال قبل از لی‌کوک از دانشگاه ادینبرو فارغ‌التحصیل شده بود و در مطب خود در لندن شاهد فوت زنان ناشی از خونریزی بود. او پیشنهاد مطرح شده لی‌کوک را در مورد انتقال خون به یاد آورد و با تکرار آزمایش‌ها بر روی حیوانات از درست بودن نظراو مطمئن شد. سپس بلاندل اولین انتقال خون انسان به انسان را انجام داد، کاری که سبب شد او را پدر انتقال خون بنامند(شکل ۱۱).

بلاندل در تمامی نوشته‌های خود از لی‌کوک به عنوان کسی که اولین اندیشه انتقال خون انسان‌ها را بیان کرده است نام برد. از لی‌کوک تنها یک گزارش منتشر شده است. نوشته‌های بلاندل و سخنرانی‌های مکتوب او در طب زنان حاوی جزئیاتی از تصاویر وسایل اوست که انتشار آن‌ها سبب ارایه گزارش‌های بیشتری در زمینه انتقال خون در قرن ۱۹ شد.

تمامی انتقال خون‌ها به طور مستقیم از اهداکننده به بیمار بود. انتقال خون با سرنگ در جنگ‌های داخلی آمریکا توسط ارتش انجام شد. هم چنین عکس‌هایی از انتقال خون در بیمارستان Bellevue، نیویورک در سال ۱۸۷۳ در دسترس است(شکل ۱۲).

قرن بیستم با کشف اتفاقی گروه‌های خونی توسط لند اشتاینر آغاز شد. جراحان با این که انتقال خون را شناخته بودند ولی آن را به کار نمی‌بردند چرا که عقیده داشتند

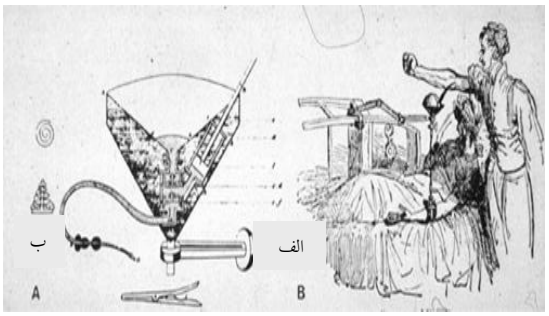


**شکل ۱۱: الف) انتقال خون انسان به انسان(۲۸) ب) وسیله اختراع شده توسط جیمز بلاندل جهت انتقال خون(۲۹)**



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

**شکل ۱۲: انتقال خون در بیمارستان Bellevue نیویورک(۱۸۷۶)(۳۰)**

روشی که امروز به نظر درست می‌رسد ممکن است فردا رد شود. همین احتیاط در مورد ضد انعقادهای سیترات برای انتقال خون غیر مستقیم در ۱۹۱۵ در جنگ جهانی اول اجرا شد.

مشکلات اجرایی و عملی باقی ماندند و پلاسما برای کنترل مفهوم جدید شوک معرفی شد. قبل از همکاری آمریکا در جنگ جهانی دوم، چارلز درو در نیویورک برنامه پلاسما برای بریتانیا را از طریق ۶ بیمارستان سازماندهی کرده بود. بعد از اعزام سربازان به جنگ، صلیب سرخ ۱۴ میلیون پینت(معادل ۶،۶۲۲،۰۰۰ لیتر) خون را از طریق روش چارلز درو جمع‌آوری کرد. در ابتدا به دلیل اعتقاد به کافی بودن پلاسما به تنهایی، گلبول‌های قرمز دور ریخته می‌شدند ولی جنگ با پیروزی خون کامل به اتمام رسید. پزشکان پس از بازگشت از جنگ برای بیماران خود درخواست خون کامل داشتند و صلیب سرخ، انجمن‌ها و بانک‌های خون بیمارستانی به صورت غیر نظامی دایر شدند.

هر چند که پیشرفت در طب انتقال خون لزوما از زمان بندی خاصی پیروی نمی کند ولی درمان با پلاکت و فرآورده های خون در دهه ۱۹۶۰ پس از ابداع کیسه های پلاستیکی (۱۹۵۳) به واقعیت پیوست. در دهه ۷۰ به دلیل خطر انتقال هپاتیت، اهدای کاملاً داوطلبانه مطرح و در سال های ۱۹۸۰، ظهور بیماری ایدز سبب انجام روش های آزمایشگاهی کنونی جهت غربالگری خون های اهدایی شد. کاربرد پلاسمافرزیس درمانی برای بیماری‌هایی با منشا ناشناخته در دهه ۷۰ سبب شد تا حجامت دوباره مطرح گردد و زالو نیز به عنوان کمکی در جراحی های پلاستیک به کار گرفته شد.

درمان توسط خون (Hemotherapy) در سیر تکاملی خود از اهدافی مانند خارج ساختن شیطان و ارواح خبیث و کنترل اخلاط چهارگانه به تغییرخلق وخوی بد انسان ها رسید و پس از آن در حال حاضر به عنوان علمی جدید در رشته پزشکی به نام طب انتقال خون برای جایگزینی در کمبودهای خونی و به هنگام از دست دادن خون شناخته می‌شود که نیاز به تکامل بیشتری دارد(۲۷).

[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

## References :

1- Sadiq.What is Hijamah (cupping)? Nov 2008; Available from: URL: http: // www. islamweb. Net / ver2 /archive/article.php?lang
2- Bloodletting. Available from: URL: http: // www. answers.com/topic/bloodletting.
3- Anwar F, Abdelaal M. From leeches to lancets: the lost donors. Transfusion 2008; 48: 2490-1.
4- Seigworth GR. Bloodletting over the centuries. N Y State J Med 1980; 80(13): 2022-8
5- Lawrence L. Blood letting: an early treatment used by barbers, surgeons. Cardiology today 2008; 11(9): 34.
6- Iatros. Commons.wikimedia.org/wiki/File:latros.jpg.
7- Schmidt PJ. Therapeutic bloodletting: from bloodletting to blood transfusion (part 1). Blood Bank Transfus Med 2003; 1: 9-13.
8- Parapia LA. History of blood letting by phlebotomy. Br J Haematol 2008; 143(4): 490-5
9- Turk JL, Allen E. Bleeding and cupping**.** Ann R Coll Surg Engl 1983; 65(2): 128-31.
10- Arbittier D. Medical Antiques. Blood letting Antiques. Available from: URL: http://www.Medical Antiques.com
11- Rosner F. Blood letting in Talmudic times. Bull N Y Acad Med 1986; 62(9): 935-46.
12- Halter Js Jr. Decline of blood letting: a study in 19th century ratiocinations. South Med J 1986; 79(4): 469-75.
13- Lawrence L. History of Medicine. Cardiology Today 2008; 11(9): 34.
14- Tandeter H, Grynbaum M, Borkan J. A Qualitative study on cultural blood letting Among Ethiopian Immigrants. Isr Med Assoc J 2001; 3(12): 937-9.
15- Albinali H. Traditional Medicine Among Guif Arabs. Heart Views 2004; 5(2): 1-11.
16- Kerridge IH, Lawe M. Blood letting: The story of a therapeutic technique. Med J Australia 1995 ; 163 (11-12): 631-3.
17- Adams SL. The medicinal leech: historical perspectives. Semin Thromb Hemost 1989; 15(3): 261-4.
18- Homeopathy malaysia.http://drinikomar. Tripod.com.
19- Munshi, Younis, Ara I, Rafique H, Ahmad Z. Leeching in the History: a view. Pakistan Journal of Biological sciences 2008; 11(13): 1650-53.
20- Ebnesina. Canon. Available from: URL: http:// www.elib. hbi. ir/ persian/ traditional medicine/ canon-web/canon-01/kifa4. htm. K03.htm.
21- www. diggerhistory.info/images/asstd/leech.jpg.
22- Roger w Byard, Blood letting and leeching: instrarnents of healing or torture? eMJA Australia 2001; 175-66.
23- Schmidt PJ.The leech from the historian. Transfusion Today Quarterley Newsletter of the International Society of Blood Transfusion 2009; 78.
24- Ullah K,Younis A, Wali M. An investigation into the effect of Cupping Therapy as a treatment for Anterior Knee Pain and its potential role in Health Promotion. The internet journal of Alternative Medicine 2007;4(1).
25- Jorjani Hakim. Zakhire Kharazmshahi. Available from:URL:http://www.elib.hbi.Ir/persian/traditional-medicine/Jorjani/zakhire-sirjani/fehr.
26- Pourfathollah AA. Transfusion medicine, past, present, future. The scientific J of Iranian blood Transfusion Organization 2006; 2(7): 287-9.
27- Schmidt PJ, Ness PM. Hemotherapy: from blood letting magic to transfuiosn medicine. Transfusion 2006; 46(2): 166-168.
28- Blundell J. Observations on Transfusion of Blood. The Lancet 1828-29;11: 321-24.
29- Blundell J. Pioneer of blood transfusion. Feb 2009; 1-3. Available from: http://www. hemonctoday. com/articl Print.
30- Schmidt PJ. The first photograph of blood transfusion. Transfusion 2001; 41(7): 968-9.

[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]

# Hijama through the passage of time

***Gharehbaghian A.[1](PhD), Mehran M.[1](MD), Karimi Gh.[1](MD), Vafaiyan V.[1](Pharm D), Tabrizi Namini M.[1](MS)***

*[1]Iranian Blood Transfusion Organization Research Center,Tehran, Iran*

## Abstract

Blood-letting is defined to be the withdrawal of blood from a patient. Considering the mysterious, life-saving, and occassionally miraculous nature of blood during the evolving history of man, civilization, and science, this red liquid being the token of life and death throughout centuries was used as evidence for clinical diagnosis of special diseases or otherwise as definite and soothing treatment of patients. Based on the existing evidence, hijama or blood withdrawal in cultural and religious beliefs and customs of certain tribes has had even a special status in saving man from devil or evil forces. The accessible old documents show the expansion of blood drawing as a known life-saving element and treatment method in ancient Egypt, Greece, and Rome in different forms including hijama. However, the development of medical sciences, particularly transfusion medicine and blood transfusion sciences, the treatment and preventive role of hijama and other methods like arteriotomy and leech cupping started to get less prominence except for some eastern countries especially Islamic states where hijama is still employed to relieve soul and treat diseases as a tool of preserving traditions. In Iran, considering the available standards based on which potential blood donors with recent hijama experience are defered for one year, it is necessary to raise awareness of all those involved in the field of blood transfusion and the whole community about the history of hijama so as to see how we can better deal with this historical and traditional controversial topic.

***Key words:*** Leeching, Venesection, phlebotomy, Blood letting
*SJIBTO 2009; 6(2): 147-158*

*Received: 14 Jan 2009*
*Accepted: 22 Aug 2009*

*Correspondence:* Gharehbaghain A., PhD of Cinical Immunohematology. Associated professor of Iranian Blood Transfusion Organization-Research Center.
P.O.Box: 14665-1157, Tehran, Iran. Tel: (+9821) 88601599; Fax : (+9821) 88601599
E-mail: *gharehbaghian@ibto.ir*



[ Downloaded from bloodjournal.ir on 2026-10-16 ]